



پویش ۲ داستان را بگو: داستان ۲



کلاسی که از دل بحران زاده شد: آموزش بالینی در شرایط اضطراری

روای: خانم دکتر فاطمه قانع شعراف – عضو هیات علمی گروه آموزشی کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

در یکی از روزهای سرد زمستانی، ناگهان همه چیز از کار افتاد، دانشجویان نیز تعطیل شدند و نبض دیجیتالی جامعه، یعنی اینترنت، ناگهان قطع شد. از شب قبل خبرهایی از محدودیت‌های اینترنت منتشر شده بود، اما فکر نمی‌کردم تا این حد گسترده باشد. قرار بود کلاس تفسیر نوار قلب در هیپرکالمی برای دانشجویان پزشکی داشته باشم که بسیار حائز اهمیت است و حتماً پزشکان جوان باید بدانند در بیماری که مبتلا به بیماری‌های کلیوی یا قلبی است، افزایش پتاسیم خون می‌تواند کشنده باشد و تا زمان آماده شدن نتایج آزمایشات بیمار که معمولاً چند ساعت طول می‌کشد، با انجام سریع یک نوار قلب می‌توان هیپرکالمی را شناسایی و درمان کرد. این کلاس باید برای کارورزان به صورت حضوری تشکیل شود تا انواع تغییرات نوار قلب را در این اختلال مهم الکترولیتی مشاهده کنند. از آنجایی که کلاس‌های حضوری کنسل شده بود، تصمیم گرفتم کلاس را به صورت مجازی برای کارورزان روتیشن کودکان که در بیمارستان دیگری مشغول آموزش بودند برگزار کنم. ساعت ۱۲ آماده شدم تا کلاس آنلاین را در سامانه دانشگاه برگزار کنم اما صفحه کامپیوتر فقط چرخید و پیام قطع ارتباط را نشان می‌داد. ابتدا گمان کردم مشکل از اینترنت بیمارستان است و کامپیوتر را چند بار راه اندازی مجدد کردم اما تلاش‌ها بی‌فایده بود. این عدم اتصال اینترنت برایم حکم یک فاجعه آموزشی را داشت. موضوع جلسه: هیپرکالمی، همان اختلال خطرناک در قلب که نوار آن مانند امواج خشمگین دریای طوفانی سهمگین و کشنده است. چگونه می‌شد بدون ابزارهای تصویری، بدون سامانه‌های آنلاین این مفهوم حیاتی را به دانشجویان پزشکی که تازه در حال شکل‌گیری نگرش بالینی‌شان بودند، آموخت؟ با اولین پیام اضطراب‌آلود تلفنی نماینده دانشجویان، متوجه شدم که نگرانی و اضطراب دانشجویان کمتر از من نیست و آنان نیز دغدغه آموزش و یادگیری را دارند. فوراً تصمیم گرفتم کلاس مجازی را تبدیل به "کلاس میدانی تلفنی" کنم. به نماینده دانشجویان زنگ زدم و گفتم تمام کارورزان بیمارستان دور هم جمع شوند و هر کسی یک نوار قلب از بخش خودش همراه بیاورد. یکی از دانشجویان گوشی را روی اسپیکر گذاشت، صدای خش‌خش نوار قلب‌ها از پشت تلفن به گوشم می‌رسید و صدای دانشجویان که تشنه یادگرفتن بودند و من از آن سوی خط با توصیف دقیق جزئیات تغییرات نوار قلب در هیپرکالمی برایشان توضیح می‌دادم: "خب، اولین موجی که باید در هیپرکالمی دنبال‌ش باشیم، چیست؟ بله، تی نوک تیز، حالا موج QRS و PR چگونه؟ و ..."

آن روز کلاس ما در شرایط خاصی شکل گرفت و من بیشتر متوجه شدم که چقدر دانشجویان تشنه یادگیری و آموختن هستند. چند روز بعد نماینده دانشجویان پیش من آمد و با اشتیاق یادداشت‌های دانشجویان را که به صورت جزوه کامل و جامعی در آورده بودند روی میز گذاشت، جزوه‌ای با عنوان: کلاس نوار قلب بدون اینترنت، درس هیپرکالمی. این جزوه نمادی از تلاش برای آموزش شد، حتی در سخت‌ترین شرایط

این تجربه و جزوه‌ای که تدوین شد نمادی از تلاش برای آموزش شد، حتی در سخت‌ترین شرایط

